



تحليل رابطه سرمايه اجتماعي  
و مبادلات قاچاق

نريمان يوسفی<sup>۱</sup>

شؤبشگاه علوم انساني ومطالعات فرهنجي  
پرتال جامع علوم انساني

## چکیده

مفهوم سرمایه اجتماعی<sup>۲</sup> در دهه‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون از جمله علوم اجتماعی و اقتصاد مطرح شده است. به‌طور کلی این مفهوم شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط، هنجارها و ارزش‌هایی است که کنش انسانی را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهد. این مفهوم به واسطه ماهیت و محتوایش از این پتانسیل برخوردار است تا در تحلیل‌های نظری و تجربی در زمینه‌های توسعه، سلامت، آسیب‌ها، جرائم اجتماعی و اقتصادی و ... به‌کار گرفته شود.

مبادلات قاچاق کالا به‌عنوان یکی از موانع اصلی اقتصاد سالم و از عوامل مخرب اقتصاد و ترویج کجروی‌های اقتصادی در جامعه است. بررسی برآوردهای آماری مربوط به حجم کشفیات قاچاق نشان می‌دهد که در سنوات گذشته کشفیات قاچاق روند رو به رشدی را تجربه کرده و آثار مخربی بر سلامت اقتصادی، تولید، اشتغال، امنیت اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه و تضعیف الگوهای فرهنگی بر جای گذاشته و مبارزه همه‌جانبه با این پدیده شوم امری ضروری است. اما چرا علیرغم صرف هزینه‌های هنگفت انسانی و مالی در مبارزه با قاچاق نتایج چندان رضایت‌بخش نیست؟ واقعیت امر این است که کنش اقتصادی در اصل دلالت صرف بر عملکردها و فعالیت‌های اقتصادی نداشته، بلکه با وجوه اجتماعی، فرهنگی و شناختی افراد نیز مرتبط است و تأکید محض بر رویکردهای نظری اقتصاد در سیاست‌گذاری و تحلیل کنش اقتصادی ممکن نبوده، بلکه بر اساس رویکرد بین‌رشته‌ای، وجوه اجتماعی و فرهنگی و روانشناختی نیز در این تحلیل اهمیت دارد. با این سیاق، متغیرهای غیر اقتصادی موثر بر مبادلات قاچاق بسیارند، اما تمرکز این نوشتار صرفاً بر ارتباط سرمایه اجتماعی و مبادلات قاچاق است. در این نوشتار فعل قاچاق به‌عنوان یک جرم

اقتصادی لحاظ و سعی بر آن است که روابط و مکانیسم اثرگذاری متقابل سرمایه اجتماعی و مبادلات قاچاق در شرایط کنونی ایران تحلیل شود.

سرمایه اجتماعی مفهومی فرارشته‌ای است که به نقش ساختارها و روابط اجتماعی در عملکرد فردی و اجتماعی می‌پردازد. در بیانی کلی، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و انسجام اجتماعی از جمله مولفه‌های این مفهوم هستند.

بر اساس شواهد موجود از دهه‌های گذشته سرمایه اجتماعی در ایران کاهش یافته است، به‌گونه‌ای که با از دست رفتن نظم سنتی، عوامل غیررسمی انتظام اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی، روابط و انسجام اجتماعی دچار نقصان شده و در جامعه نوین نیز بازتولید نشده‌اند و برآیند آن فرسایش سرمایه اجتماعی مثبت و تقویت سرمایه اجتماعی منفی است و نمونه بارز آن شکل‌گیری کانون و هسته‌های مبادلات قاچاق در پرتو شکل‌گیری پیوندهای درون‌گروهی است. به‌عبارتی، بر اساس شواهد و اطلاعات موجود به نظر می‌رسد که جامعه فعلی ایران از ضعف سرمایه اجتماعی رنج می‌برد و به تاسی از گفتمان کریشنا در شرایط آنومیک قرار دارد؛ شرایطی که نسخه توصیه‌ای وی برای برون‌رفت از این شرایط کمک به توسعه هنجارها و ساختارها است.

از آنجایی که رابطه سرمایه اجتماعی و مبادلات قاچاق دو سویه است. ضمن اینکه کاهش سرمایه اجتماعی زمینه افزایش مبادلات قاچاق را به مانند هر جرمی دیگر فراهم می‌نماید، شیوع مبادلات قاچاق نیز منجر به فرسایش سرمایه اجتماعی شده و این دور باطل همچنان ادامه می‌یابد. در این شرایط، ضرورت برنامه‌ریزی جامع در بازسازی سرمایه اجتماعی از یک سو و برخورد قاطع با پدیده نامیمون قاچاق از سویی دیگر را می‌طلبد. تلاش‌هایی که از جامعه‌پذیری و باز جامعه‌پذیری هنجارها و ارزش‌های مقبول اجتماعی، تقویت حس از خودگذشتگی، خودباوری و علاقه‌مندی به جامعه توسط نهادهای دین، خانواده، آموزش و رسانه‌ها تا بازتعریف نقش و کارکرد مورد انتظار از نهادها و سازمان‌های مرتبط در امر مبارزه جدی با مبادلات قاچاق از طریق توسعه زیرساخت‌ها و استقرار رویه‌های به‌روز و حرفه‌ای، وضع قوانین متناسب و

بازدارنده، توسعه مهارت‌ها و تربیت نیروی انسانی کارآمد با هدف ناامن کردن فضاهای رانتی و ویژه‌خواری قاچاقچیان به‌منظور بهبود سرمایه اجتماعی مثبت و عام را در برمی‌گیرد. به عبارتی، در پرتو گسترش اعتماد اجتماعی در سطوح مختلف اجتماعی، بهبود روابط و انسجام اجتماعی با مکانیزم کنترل غیررسمی و خودکنترلی در کنار کنترل رسمی و نهادی می‌توان به کاهش جرائم از جمله جرائم اقتصادی و به ویژه مبادلات قاچاق در جامعه امیدوار بود.



## مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی<sup>۳</sup> در دهه‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون از جمله علوم اجتماعی و اقتصاد مطرح شده است. به‌طور کلی این مفهوم شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط، هنجارها و ارزش‌هایی است که کنش انسانی را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهد. این مفهوم به واسطه ماهیت و محتوایش از این پتانسیل برخوردار است تا در تحلیل‌های نظری و تجربی در زمینه‌های توسعه، سلامت، آسیب‌ها، جرائم اجتماعی و اقتصادی و ... به‌کار گرفته شود. از سویی دیگر، ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاب می‌کند امروزه در برخورد، شناخت و تحلیل آن‌ها با اتکا به یافته‌های نوین، دایره شناخت خود را گسترش و خطرپذیری سیاست‌گذاری‌ها را کاهش دهیم. از این منظر سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزاری اساسی، پتانسیل بالایی در تبیین و توضیح آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله مقوله قاچاق دارد.

## بیان مسأله

قاچاق کالا به‌عنوان یکی از موانع اصلی اقتصاد سالم و از عوامل مخرب اقتصاد و ترویج کجروی‌های اقتصادی در جامعه است. بررسی برآوردهای آماری مربوط به حجم کشفیات قاچاق نشان می‌دهد که در سنوات گذشته کشفیات قاچاق روند رو به رشدی را تجربه کرده است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۲ برآورد ارزش کل پرونده‌های قاچاق ۱۴۸۱/۸ میلیارد ریال بوده و بعد از یک دهه در سال ۱۳۹۳ این عدد ۲۸۷۳۴/۴ میلیارد ریال برآورد شده است (ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

مبادلات قاچاق به‌عنوان یک کنش اقتصادی پیامدهای نامطلوبی را بر جامعه، کنشگران حقوقی و حقیقی تحمیل می‌نماید. از جمله این آثار و پیامدها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- مبادلات قاچاق مانعی جدی بر اقتصاد مقاومتی است و منجر به خنثی شدن

- سیاست‌گذاری اقتصادی می‌شود.
  - مبادلات قاچاق یکی از کانون‌های اصلی تولید فساد اقتصادی است و ثبات و سلامت اقتصادی را به چالش می‌کشد.
  - مبادلات قاچاق تولید داخلی را با مشکلات عدیده مواجهه و سهم بازار داخلی را نصیب کالاهای قاچاق می‌کند.
  - مبادلات قاچاق باعث ایجاد خدشه در تخصیص‌ات ارزی دولت برای واردات کالاهای اساسی می‌شود.
  - مبادلات قاچاق باعث تضعیف تولیدات داخلی و ایجاد تنش در رقابت‌های بازار داخلی می‌شود.
  - مبادلات قاچاق منجر به اشاعه و گسترش فرهنگی اقتصاد پنهان و بخش غیررسمی می‌شود.
  - مبادلات قاچاق امنیت شغلی را به چالش کشیده، بازار کار را منقبض و مانعی جدی بر اشتغال پایدار است.
  - مبادلات قاچاق امنیت اجتماعی، روانی و در مواردی سلامت افراد جامعه را به چالش می‌کشد.
  - مبادلات قاچاق منجر به اختلال در الگوی مصرف جامعه می‌شود.
  - مبادلات قاچاق تضعیف ارزش و فرهنگ کار را به دنبال دارد.
- آمارها و نکات فوق ضمن صحنه بر ضرورت مبارزه با مسأله قاچاق، این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند چرا علیرغم صرف هزینه‌های هنگفت انسانی و مالی در مبارزه با قاچاق نتایج چندان رضایت‌بخش نیست؟ واقعیت امر این است که کنش اقتصادی در اصل دلالت صرف بر عملکردها و فعالیت‌های اقتصادی نداشته، بلکه با وجوه اجتماعی، فرهنگی و شناختی افراد نیز مرتبط است. به عبارت دیگر، تأکید محض بر رویکردهای نظری اقتصاد در سیاست‌گذاری و تحلیل کنش اقتصادی ممکن نبوده، بلکه بر اساس رویکرد بین رشته‌ای، وجوه اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی نیز در این

تحلیل اهمیت دارد. به تاسی از ماکس وبر<sup>۴</sup> که با تفکیک بین "پدیده‌های اقتصادی"، "پدیده‌های مربوط به اقتصاد" و "پدیده‌های مشروط به اقتصاد" نشان می‌دهد که گستره مسائل اقتصادی و اجتماعی وسیع و پیچیده بوده و شامل منظومه‌ای از نهادها، هنجارها و دلالت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود است (وبر، ۱۳۸۷، ۶)، این نکته برجسته خواهد شد که مبادلات قاچاق همانند دیگر مبادلات در بستر اجتماع اتفاق می‌افتد، هر چند به شکل پدیده‌های اقتصادی تبلور می‌یابد. اگر بپذیریم که قاچاقچی صرفاً انسان اقتصادی نبوده بلکه انسان اجتماعی نیز هست، بنابراین، نقش عوامل غیراقتصادی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نهادی و ...) در کنش وی قابل تامل است. با این سیاق، متغیرهای غیراقتصادی موثر بر مبادلات قاچاق بسیارند، اما تمرکز این نوشتار صرفاً بر ارتباط سرمایه اجتماعی و مبادلات قاچاق است. سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم جوان در ادبیات علوم اجتماعی است که از آن به‌عنوان راه حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی یاد می‌شود.

ارتباط بین سرمایه اجتماعی با انواع مختلف آسیب‌های اجتماعی از جمله جرم به کرات مستند شده است. به‌گونه‌ای که افزایش جرم در جوامع می‌تواند عاملی بر کاهش سرمایه اجتماعی تلقی گردد و از طرفی افزایش سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند به‌طور چشمگیری از ارتکاب جرائم مختلف در جامعه جلوگیری کند. فعل قاچاق به‌عنوان یک جرم اقتصادی نیز از همین زاویه قابل تحلیل است. هر چند تاکنون رابطه سرمایه اجتماعی و قاچاق به‌صورت خاص مورد بررسی قرار نگرفته است، اما تحقیقات متعددی به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، سعادت (۱۳۷۸) معتقد است در کل از سال ۱۳۴۵ سرمایه اجتماعی در حال کاهش بوده است. در این ارتباط در سال‌های اول انقلاب به‌صورت موقت سرمایه اجتماعی افزایش، ولیکن در سال‌های اخیر مجدداً کاهش چشمگیری یافته است. وی با استفاده از

داده‌های آماری نشان می‌دهد که کاهش و افزایش سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی با میزان جرایم داشته است. غفاری (۱۳۸۷) در تحلیل نقش غیرمستقیم سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم به نقش میانجی آنومی اشاره می‌کند. همچنين، چلبی (۱۳۸۴) معتقد است در حالی که تاثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر وقوع جرم مستند است، تاثیر غیرمستقیم سرمایه اجتماعی (به واسطه متغیرهای آنومی و کنترل اجتماعی) بر وقوع جرم بیش‌تر از تاثیر مستقیم آن است. همچنين، در سطح کلان با افزایش اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی میزان جرم کاهش می‌یابد.

از آنجایی که سرمایه اجتماعی بستر مناسبی برای بهره‌وری از انواع سرمایه (انسانی، فیزیکی و فرهنگی) و راهی برای نیل به موفقیت اقتصادی قلمداد می‌شود. بنابراین، کم و کیف آن بر عملکرد اجتماعی و اقتصادی قابل رویت است. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است و شناسایی آن به‌عنوان یک نوع سرمایه، در سطوح کلان، میانه و خرد می‌تواند سیاست‌گذاران و مدیران را در هدایت بهتر حوزه کاری خود یاری رساند. از این منظر، نوشتار حاضر به تبیین نقش سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری مبادلات قاچاق پرداخته و به سوالات زیر پاسخ خواهد داد:

۱. روابط و مکانیسم اثرگذاری متقابل سرمایه اجتماعی و مبادلات قاچاق چگونه است؟
۲. بر اساس یافته‌های تحقیق چه پیشنهاداتی برای کاهش مبادلات قاچاق با تاکید بر سرمایه اجتماعی می‌توان ارائه داد؟

### مبانی نظری

با توجه به تاثیرات متقابل سرمایه اجتماعی و قاچاق، ابتدا سرمایه اجتماعی و ابعاد آن تعریف و سپس به تعیین جایگاه مفهومی قاچاق پرداخته می‌شود تا بتوان به تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و قاچاق پرداخت.

سرمایه اجتماعی مفهومی فرارشته‌ای است که به نقش ساختارها و روابط اجتماعی در عملکرد فردی و اجتماعی می‌پردازد. مروری بر ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی



نشان می‌دهد نظریه‌پردازان و محققین مربوطه، سرمایه اجتماعی را با تعاریف، انواع، سطوح تحلیل و کارکردهای متفاوت تعریف و مورد بحث قرار داده‌اند.

یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان تئوری سرمایه اجتماعی کلمن است. از نظر وی، سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش تعریف می‌شود. آن یک هستی منفرد نیست، بلکه تنوعی از هستی‌های متفاوت است و آن‌ها کنش‌های خاصی از افرادی را که داخل ساختار هستند، تسهیل می‌کند. وی بر این باور است که انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی به میزان بیش‌تری از سایرین کنش‌های افراد را تسهیل می‌کنند. در این ارتباط بر مجموعه‌ای از مفاهیم ارزشی در فرایند رشد و توسعه اجتماعی و اداری افراد تاکید می‌نماید و از این حیث به نهاد خانواده، مذهب و سایر نهادهای جامعه‌پذیری تاکید بیش‌تری می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷، ۴۶۲).

از نظر پیر بوردیو<sup>۵</sup> سرمایه مترادف با قدرت است. وی معتقد است که کنش‌های اقتصادی در میدان‌های اقتصادی صورت می‌گیرد و در این میدان‌ها کنش‌گران مقادیری از انواع سرمایه را به میدان می‌آورند (تاجبخش، ۱۳۸۵، ۱۳۴). از نظر وی سرمایه اجتماعی ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) است و به‌عنوان حاصل جمع منابع بالفعل و بالقوه‌ای که به مالکیت شبکه پایدار مناسبات نهادی شده ارتباط یا شناخت متقابل مربوطند، تعریف می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۵، ۱۳۷).

رابرت پاتنام<sup>۶</sup> سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد و کارایی جامعه را بهبود می‌بخشند (پاتنام، ۲۸۵، ۱۳۸۰).

فرانسیس فوکویاما<sup>۷</sup> در تعریف سرمایه اجتماعی بر هنجارها و ارزش‌های غیررسمی

---

۵. Pierre Bourdieu

۶. Robert Putnam

۷. Francis Fukuyama

و اعتماد اجتماعی تکیه کرده است. از نظر وی سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون بین‌شان مجاز است در آن سهم هستند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۱۱).

از نظر پکستن سرمایه اجتماعی دارای دو بعد اصلی است؛ روابط عینی میان افراد از یک طرف و پیوندهای ذهنی بین افراد از طرف دیگر. این تعریف از سرمایه اجتماعی هم روابط بین افراد را در بر می‌گیرد که کلمن بر آن تاکید نموده بود و هم اینکه در واقع این روابط بر اساس تئوری بورديو باید ذهنی، مبتنی بر اعتماد و مثبت باشد (چلبی، ۱۳۸۵، ۵). چلبی به نقل از پاراس دو بعد برای سرمایه اجتماعی قایل است (شکل ۱):

۱. سرمایه اجتماعی شناختی (رابطه‌ای): این نوع از سرمایه به تجلیات انتزاعی‌تر سرمایه اجتماعی، از قبیل اعتماد، هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارد که کنش‌های متقابل مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

۲. سرمایه اجتماعی ساختاری (نهادی): تجلی ساختاری به جنبه‌های قابل رویت و شاهد عینی‌تر (قابل لمس‌تر) مفهوم سرمایه اجتماعی بر می‌گردد. از قبیل سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی؛ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند. جنبه ساختاری باعث ایجاد روابط افقی و روابط عمودی در جامعه می‌گردد و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه را تقویت می‌کند (چلبی، ۱۳۸۵، ۶).

با توجه به این واقعیت که سرمایه اجتماعی می‌تواند در انواع مختلف وجود داشته باشد، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی همیشه برای تمام اعضای یک جامعه دارای تاثیرات مثبت نیست، بلکه فقط در صورتی می‌تواند مثبت باشد که هم سرمایه اجتماعی شناختی و هم سرمایه اجتماعی ساختاری هر دو به میزان بالایی در جامعه وجود داشته باشند و در غیر این صورت شاهد انواع دیگر سرمایه اجتماعی خواهیم بود که احتمالاً پیامدهای نامناسبی برای جامعه به دنبال خواهد داشت. حالت‌های

مختلف ترکیب انواع سرمایه همراه با شیوه‌های اصلاحی مناسب آن در شکل زیر نشان داده شده است (چلبی، ۱۳۸۵، ۷).

### سرمایه رابطه‌ای

		قوی	ضعیف
سرمایه اجتماعی	قوی	سرمایه اجتماعی بالا تکلیف: حوزه گسترش یافته فعالیت‌ها	سازمان‌های قوی تکلیف: مشروع‌سازی، تشدید
	ضعیف	انجمن‌های سستی تکلیف: معرفی قوانین، رویه‌ها و مهارت‌ها	آنومی، ذره‌نگرانه و غیراخلاقی تکلیف: کمک به توسعه ساختارها و هنجارها

شکل ۱. اشکال سرمایه اجتماعی

(ماخذ: کریشنا، ۱۹۹۸، ۷۹ به نقل از چلبی ۱۳۸۵، ۷)

بنابراین، سرمایه اجتماعی تنها به منزله مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و گروه‌هایی که دور هم جمع بوده و به یکدیگر چسبیده‌اند نیست، بلکه بیانگر شدت و نوع رابطه بین آن‌ها و بین کنش‌گران در جامعه است.

در مجموع، از تعاریف و نظریات ذکر شده می‌توان به اعتماد اجتماعی در لایه‌های مختلف اجتماعی، روابط و تعاملات مثبت بین افراد، گروه‌ها، اجتماعات و نهادها، تعهد و انتظارات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی موثر انسجام اجتماعی به‌عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی نام برد.

پس از توصیف و تشریح سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، به بررسی و تعریف جرم و قاچاق به‌عنوان دیگر متغیر تحقیق پرداخته می‌شود. با وجود اینکه مکاتب و دیدگاه‌های مختلف تعاریفی متفاوتی از جرم ارائه کرده‌اند، لاری جی سیگل<sup>۸</sup>، جرم را زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی رفتاری می‌داند. این قوانین توسط افرادی که قدرت سیاسی و

اجتماعی را در دست دارند، وضع شده است (چلبی، ۱۳۸۵، ۹).

به‌طور کلی جرایم در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. جرایم خشونت‌آمیز<sup>۹</sup>، از جمله قتل، سرقت مسلحانه و ...
۲. جرایم مالی<sup>۱۰</sup> شامل اعمالی است که برخلاف قانون جنایی بوده و مبتنی بر کسب سود یا اضرار به مال غیر؛ مثل سرقت، خیانت در امانت، صدور چک بلامحل و ...
۳. جرایم یقه‌سفیدان و سازمان‌یافته<sup>۱۱</sup> شامل فعالیت‌های غیرقانونی افرادی است که در بخش‌های مرفه‌تر جامعه هستند و جرایم سازمان‌یافته به فعالیت‌های هماهنگی اطلاق می‌شود که بسیاری از ویژگی‌های سوداگری متعارف را دارند اما غیرقانونی محسوب می‌شوند. مثل رشوه، اختلاس، کلاهبرداری مالیاتی و جرایم سطح بالا.
۴. جرایم علیه نظم عمومی<sup>۱۲</sup> شامل آن دسته از اعمال غیرقانونی است که بهبودی عمومی جامعه را تهدید می‌نمایند و اصول اخلاقی پذیرفته شده را به چالش می‌کشند، مثل روسپی‌گری و استفاده از مواد مخدر (گیدنز، ۱۳۸۱، ۱۷۹).

همچنین، هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس قانون قاچاق کالا و ارز و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، خواه در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود، قاچاق کالا یا ارز محسوب می‌شود. در این ارتباط، هر شئی که در عرف، ارزش اقتصادی دارد کالا محسوب می‌شود و پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر

۹. violent crimes

۱۰. property crimes

۱۱. white-collar and organized crimes

۱۲. poplce order crimes

اسناد مکتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد، ارز نام دارد (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۴، ۱۲-۱۱). همچنین، تشریفات قانونی عبارت است از: اقداماتی از قبیل تشریفات گمرکی و بانکی، اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذی‌ربط که اشخاص موظفند طبق قانون و مقررات به منظور وارد یا خارج کردن کالا یا ارز، انجام دهند (همان، ۱۲). بنابراین، قاچاق کالا و ارز به عنوان یک جرم ذیل جرایم اقتصادی قرار گرفته و جرایم اقتصادی دارای ویژگی‌هایی زیر هستند.

۱. در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای است و به‌طور عمده عاملان به دنبال سود هستند.

۲. به‌صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می‌کند.

۳. باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد.

۴. مرتکبین به‌طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند (میر سعیدی، ۱۳۹۲، ۱۶۹).

### تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در قاچاق

مروری بر ادبیات جرم‌حاکمی از حجم بالایی از مبانی نظری تبیین‌کننده آن است و دامنه این تئوری‌ها از حوزه زیست‌شناختی تا قلمرو فرهنگ و اجتماع ادامه دارد. از جمله مفاهیم مستتر در این تئوری‌های می‌توان به جامعه‌پذیری، کنش و انتخاب عقلانی، فشار هنجاری، ارزش‌ها و ... نام برد. نکته جالب توجه این است که در غالب این تئوری‌های به نوعی حداقل بر یکی از معرف‌های سرمایه اجتماعی تاکید شده است که خود به نوعی بیانگر قدرت بالای تبیین‌کنندگی سرمایه اجتماعی در تحلیل جرایم است. با اینحال، سرمایه اجتماعی متغیری چند وجهی و چند سطحی است که در سطوح خرد، میانی و کلان اثرگذار است. به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد ممکن است سرمایه اجتماعی در سطح خرد بالا و در همان زمان سرمایه اجتماعی در سطح

کلان ضعیف باشد. چنانچه در یک جامعه اعتماد، روابط و انسجام درون گروه‌ها بالا، اما بین گروه‌ها انسجام پایین یا وجود نداشته باشد، در واقع سرمایه اجتماعی موجود از نوع منفی است و این فرایند تأثیرات منفی برای کل جامعه خواهد داشت. مثلاً زمانی که روند عمومی کشور به این می‌انجامد که اقلیت‌های قومی و مذهبی به سمت همگرایی درونی بروند و از همگرایی ملی بپرهیزند، شکافی بین آن‌ها و نظام ملی پدیدار می‌شود و این به منزله افزایش سرمایه اجتماعی در سطح قومیت‌ها و اقلیت‌ها و کاهش سرمایه اجتماعی در سطح ملی است.

در ادامه به تحلیل نظری رابطه سرمایه اجتماعی و قاچاق کالا به‌عنوان یک جرم اقتصادی با در نظر گرفتن ابعاد و مکانیزم‌های تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن پرداخته می‌شود. قبل از آن لازم به ذکر است که رابطه سرمایه اجتماعی و قاچاق دوری است، به این صورت که هر چند در ابتدا کاهش سرمایه اجتماعی شرایط را برای بروز انواع جرایم فراهم می‌نماید، اما با شیوع جرایم در جامعه، سرمایه اجتماعی بیش‌تر کاهش یافته و از این به بعد این چرخه نامطلوب اجتماعی بازتولید خواهد شد (شکل ۲).

### - اعتماد اجتماعی و مبادلات قاچاق

اعتماد اجتماعی مفهومی کانونی در جامعه‌شناسی کلاسیک و نیز محور اصلی تئوری سرمایه اجتماعی و زمینه‌ساز تعاملات و روابط اجتماعی است و به تعبیر آیزنشتات بدون اعتماد پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است. در واقع، اعتماد اجازه می‌دهد که افراد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به واسطه این تسهیل کنش است که از اعتماد می‌توان به‌عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی نام برد (کلمن؛ ۱۳۷۵، ۴۵۶).

در ادبیات علوم اجتماعی از سه گونه اعتماد نام برده شده است. اعتماد بنیادی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد بین شخصی. اعتماد بنیادین یا همان امنیت وجودی، نگرش نسبت به خود و دنیای اطراف است که بر رفتار و اعمال ما تأثیر می‌گذارد و این فکر را تقویت می‌کند که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند. این گونه اعتماد ریشه در

تجربیات دوران کودکی دارد. به عقیده گیدنز، بر اثر توسعه نظام‌های انتزاعی، اعتماد به اصول غیرشخصی و نیز اعتماد به دیگران ناشناس (از جمله نهادها) برای زندگی اجتماعی گریزناپذیر است و این همان اعتماد تعمیم‌یافته است.

در این ارتباط، فوکویاما با رویکردی اقتصادی به مسأله اعتماد می‌پردازد، وی معتقد است که تمام تلاش‌های اقتصادی اعم از اداره کردن یک مغازه کوچک تا یک سیستم اقتصادی نه به وسیله افراد، بلکه به وسیله تشکیلاتی صورت می‌گیرد که لازمه آن وجود میزان زیادی از همکاری‌های اجتماعی است. از نظر وی توانایی سازماندهی تشکیلات اقتصادی نه صرفاً قواعد رسمی نوشته شده، بلکه مستلزم مجموعه قوانین و اصول اخلاقی نانوشته‌ای است که اساس اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد. وجود اعتماد در بین اعضای یک تشکیلات اقتصادی به میزان زیادی می‌تواند هزینه آن را کاهش و کارایی و موفقیت آن را افزایش دهد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۷۰). وی معتقد است همه گروه‌هایی که مظهر سرمایه اجتماعی هستند دارای نوعی شعاع اعتمادند و به عبارتی دیگر، دارای حلقه‌هایی از کسان در هر گروه وجود دارد که هنجارهای همکاری در میان آنان عمل می‌کند. شعاع اعتماد می‌تواند بین گروهی یا درون گروهی باشد (یاری، ۱۳۹۱، ۴۵).

به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، اعتماد اجتماعی در جامعه ایران وضعیت خوب و مناسبی ندارد. براساس نتایج پیمایش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی تعمیم یافته ۲۷ درصد مردم به مقدار زیاد و خیلی زیاد گزارش شده است و اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته در بین بقیه پاسخ‌گویان در حد متوسط و پایین‌تر ارزیابی شده است (مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور، ۱۳۹۴، ۴۱۹).

از حیث تحلیلی این به آن معنی است که اعتماد به لایه‌های خصوصی‌تر در جامعه ایران بیش‌تر از لایه‌های عمومی‌تر است. هر چند اعتماد بین شخصی خوب است، اما این اعتماد تعمیم‌یافته است که گروه‌های متعدد در یک جامعه می‌توانند در زیر چتر آن مسیر توسعه را طی و از خیر جمعی برخوردار شوند. از این حیث، شکل‌گیری رانت‌ها،

ویژه‌خواری‌ها و گروه‌های قاچاق همگی حکایت از این دارد که ضعف اعتماد تعمیم‌یافته مانع جدی در شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی سازنده و بازدارنده انحرافات اجتماعی از جمله مبادلات قاچاق است. از سویی دیگر، خزیدن قاچاقچیان به درون گروه‌های خودی در کنار عدم اعتماد به نقش نهادهای قانونگذار، اجرایی و نظارتی در مبادلات قاچاق، حیاط خلوت بسیار بزرگی را برای مانور اقتصادی آنان فراهم نموده است.

### - پیوندهای اجتماعی و مبادلات قاچاق

ارتباطات، عنصری حیاتی و مایه‌ی قوام جامعه است. ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه‌ی خود رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده‌ی رابطه‌ی مورد نظر قابل اعتماد باشد. بنابراین اعتماد، مساله دو طرفه است که نمی‌توان یک‌طرفه به آن رسید. هر کسی که اعتماد می‌خواهد می‌بایست چنان رفتار کند که دیگری به وی اعتماد کند. این همان معنای کلام معصوم است که می‌فرماید: چنان رفتار کن که دوست داری دیگری با تو رفتار کند. در این ارتباط حضرت علی(ع) می‌فرماید، مراقب باش که سوء ظن بر تو غلبه پیدا نکند، به درستی که بدگمانی هیچ رفاقتی را بین تو و دوست باقی نمی‌گذارد (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۰۷، به نقل از منصوری).

فرسایش پیوندهای اجتماعی عاملی تسریع‌کننده در ارتکاب به فعل قاچاق است چرا که حساسیت فرد به عقاید دیگران، خودکنترلی و کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد. از نظر فرد قاچاقچی کاهش پیوندهای اجتماعی هزینه‌ای است که در قبال عمل قاچاق پرداخت می‌شود و فرد قاچاقچی هزینه کاهش مبادلات اجتماعی را با سود خالص آن مقایسه کرده و تصمیم به فعل قاچاق می‌گیرد. به عبارتی، در صورت وجود روابط و پیوندهای اجتماعی کافی و گرم، افراد قاچاقچی از ترس بی‌اعتبار شدن کم‌تر مرتکب



فعل قاچاق می‌شوند، چرا که با انجام مبادلات قاچاق شبکه روابط خود را از دست داده و منزوی می‌شوند و این فرایند هزینه‌های هنگفتی را بر فرد تحمیل می‌کند.

در این ارتباط بورديو معتقد است که حجم سرمایه اجتماعی یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که فرد می‌تواند به طرزی موثر بسیج کند و مضافاً به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی یا نمادین) کسانی که وی با آنان مرتبط است، بستگی دارد. منفعت حاصل از عضویت در یک گروه، همبستگی‌ای را به وجود می‌آورد که حصول منفعت‌ها را ممکن می‌سازد (تاجبخش، ۱۳۸۵، ۱۴۸).

از سویی دیگر و با وجود ضعف در حجم و شدت روابط و پیوندهای اجتماعی، روابط با افراد و گروه‌هایی که قاچاق را ارزش می‌نهند، جرم را از طریق فرایندهای بسیار مشابه ترویج می‌کند. در گروه‌های قاچاقچی هر چه مقیاس و سطح درگیری فرد در مبادلات قاچاق افزایش یابد، اعتبار بیش‌تری برایش به دنبال دارد. استحکام مناسبات در گروه‌های قاچاق و شکل‌گیری باندهای قاچاق؛ یعنی اینکه سرمایه اجتماعی در گروه‌های کوچک در حال تقویت شدن است اما همزمان افزایش قاچاق به این معناست که سرمایه اجتماعی در سطح کلان در حال کاهش است. برای حل این تناقض، سرمایه اجتماعی به دو نوع تقسیم شده است:

- سرمایه اجتماعی ثمربخش یا مثبت، نوعی که تغییرات نهادی ایجاد می‌کند و توسعه را تسهیل می‌کند. این نوع سرمایه بین گروهی و اجتماعی است.

- سرمایه اجتماعی منفی، نوعی که ضد توسعه بوده و فعالیت‌های مجرمانه را موجب می‌شود. این نوع سرمایه درون‌گروهی است.

از آنجایی که این دو سرمایه ضرورتاً در طول هم نیستند، پیوندهای اجتماعی درون‌گروهی قاچاقچیان در عرض پیوندهای اجتماعی (بین‌گروهی) است. شکل‌گیری باندهای قاچاق، رسانه‌ای شدن پرونده‌های مفاسد بزرگ اقتصادی، شکل‌گیری روابط غیر مجاز در قالب رانت‌ها و ویژه‌خواری‌ها و افزایش حجم مبادلات قاچاق در سال‌های اخیر، همگی به‌عنوان جرایم اقتصادی گواه کافی بر کاهش سرمایه اجتماعی است.

در تحلیل این وضعیت، به نظر می‌رسد همزمان با افزایش روحیه فردگرایی و ارزش‌یافتگی موفقیت و کامیابی فردی در دهه‌های گذشته و کاهش کمی و کیفی پیوندها و روابط اجتماعی از سطوح خرد تا کلان (خانواده، اقوام، محله و ...) و کم ارزش شدن قبح برجسب قاچاقچی، در نهایت در فضای آنومیک جامعه خودکنترلی موثر<sup>۱۳</sup> افراد کاهش یافته و بستر رفتارهای غیرقانونی و غیر اخلاقی از جمله مبادلات قاچاق میسر گشته است.

### - انسجام اجتماعی و مبادلات قاچاق

در ارتباط با بند پیشین، شرایط آنومیک در جامعه باعث می‌شود که افراد به مدت طولانی از هنجارها پیروی نکنند. در نتیجه افراد قادر به درک ارزش‌های مشترک که در عین حال نقشی منسجم کننده در جهت اهداف مشترک خواهند داشت، نخواهند بود. در شرایط آنومی به دلیل ضعف و قطع رابطه ذهنی و عدم تطبیق افراد با اصول اجتماعی، افراد بیش از حد به ارزش‌های فردی اهمیت می‌دهند و در نتیجه ارزش‌ها و هنجارهای مشترک مثل صداقت، قانون‌مداری، رزق حلال و ... برای بسیاری از افراد از جمله قاچاقچیان قابل فهم نخواهد بود. در شرایط آنومی فقدان یا ناهمسازی قواعد رفتار اجتماعی افراد را دچار سرگشتگی کرده در نتیجه فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویشتن پناه می‌برد و همه پیوندهای اجتماعی را بدبینانه نفی می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۷، ۱۸۳). از نظر پاتنام نیز سرمایه اجتماعی و هنجارهای متقابل به‌عنوان ضرورتی برای توسعه تعهد مدنی افراد مطرح می‌شود (پاتنام، ۱۳۹۲، ۱۳۷).

همچنین در شرایط آنومی افراد در لایه‌های مختلف اجتماعی در شرایط تنش قرار داشته و فشارهای متعددی را تجربه می‌نمایند. این شرایط منجر به بروز احساسات منفی و ناخوشایند شده و افراد انگیزه کافی برای رعایت حریم‌های اجتماعی ندارد. در

۱۳. effectivity self regulation

موقعیت کنش اقتصادی، افراد انگیزه کافی برای رعایت حریم‌های قانونی نخواهند داشت و احتمال مبادلات قاچاق افزایش می‌یابد.

به‌عنوان مثال، در صورتی که اقدام به مبادلات قاچاق چندان قبیح شمرده نمی‌شود و انجام فعالیت اقتصادی سالم و مشروع با تنگناهای متعدد ساختاری رسمی و غیررسمی مواجهه است، احتمال اینکه افراد در ازای فشارهای تحمیل شده به مبادلات قاچاق کشیده شوند وجود دارد. در همین ارتباط نزدیک به نیمی از مردم (۴۸/۵) موفقیت مسوولین در حل قانون‌گریزی را خیلی کم و کم‌ارزایی نموده‌اند (مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور، ۱۳۹۴، ۵۹). همچنین، ۵۶/۷ درصد نیز موفقیت مسوولان در رفع مشکل فساد مالی و ارتشاء را خیلی کم و کم بیان کرده‌اند (همان، ۴۳).

بی‌اعتمادی تأثیر مؤثر و کاهنده‌ای بر روابط و پیوندهای اجتماعی دارد و این امر زمینه‌ی مناسبی برای آنومی و انزوای اجتماعی فراهم می‌سازد. انسان‌ها اعتماد می‌کنند تا ارتباط برقرار کنند، ارتباط برقرار می‌کنند تا این باور در ذهنشان ریشه کند که بدون همکاری، مشارکت و همفکری کاری از پیش نخواهند برد. اعتماد، مهم‌ترین انگیزه‌ای است که افراد را به داشتن ارتباطات دو یا چند سویه تشویق می‌کند. حتی بسیاری از اندیشمندان اجتماعی، اعتماد را حسی می‌دانند که منجر به تعاون و همکاری می‌شود و فقط در این حالت است که انسان‌ها در عین تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات خواهند بود.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی هزینه‌های روابط (تبادل) اجتماعی را کاهش می‌دهد، چرا که در این شرایط هر شرکت‌کننده‌ای در تجارت سعادت او مرتبط با سعادت و بهروزی شریک تجاری و جامعه‌اش است. در نتیجه به حل تضادهای اجتماعی از قبل درک تبعیض و غیرمنصفانه بودن فرصت‌های اقتصادی کمک می‌کند و مبادلات قاچاق صورت نمی‌گیرد. همچنین، جوامعی که در بین اعضایشان پیوندهای قوی‌تری وجود دارد بهتر می‌توانند برای غلبه بر مسأله سواری

مجانی در کنش‌های جمعی خودشان را سازماندهی و بسیج نمایند. این عامل رفتار فرصت‌طلبانه فرد را کاهش می‌دهد.



### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به مفاهیم استفاده شده، داده‌های تجربی و روابط بین آن‌ها به لحاظ تحلیلی پذیرفته شده است که سرمایه اجتماعی از دهه‌های گذشته در حال فرسایش بوده است و این اتفاق در جریان گذار اجتماعی و در مسیر گذر از سنت اتفاق افتاده است. به‌گونه‌ای که با از دست رفتن نظم سنتی، عوامل غیررسمی انتظام اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی دچار فرسایش شده است و در جامعه نوین سرمایه اجتماعی به خوبی بازتولید نشده است. به‌عبارتی، در هر دو بعد ساختاری و رابطه‌ای، سرمایه اجتماعی از توزیع نامناسب برخوردار می‌باشد و برآیند آن این است که در حالی که سرمایه اجتماعی مثبت در حال فرسایش بوده، سرمایه اجتماعی منفی در حال تقویت است و نمونه بارز آن شکل‌گیری کانون و هسته‌های قاچاق در پرتو شکل‌گیری

پیوندهای درون گروهی مبتنی بر اعتماد و حمایت است. همچنین، نتایج حاصل از مطالعات تجربی در ایران در خصوص افزایش جرائم آشکار و پنهان از جمله قتل، اعتیاد، طلاق، فساد مالی، مبادلات قاچاق و ... موید و شاهدی بر این ادعا است که فرسایش سرمایه اجتماعی از حداقل پنج دهه پیش شروع ولی در دهه گذشته رشدی شتابان به خود گرفته است. به عبارتی دیگر، بر اساس شواهد و اطلاعات موجود به نظر می‌رسد که جامعه فعلی ایران در از ضعف سرمایه اجتماعی رنج می‌برد و به تاسی از گفتمان کَریشنا در شرایط آنومیک قرار دارد، یعنی اینکه هم سرمایه اجتماعی شناختی و هم سرمایه اجتماعی ساختاری در حالت نامساعدی قرار دارد. همچنین، نسخه توصیه‌ای وی برای برون‌رفت از این شرایط کمک به توسعه هنجارها و ساختارها است (شکل ۱). از این رو، پیشنهادات زیر به منظور اشاعه اعتماد اجتماعی در لوای ارزش‌ها و هنجارها و توسعه کمی و کیفی پیوندهای اجتماعی با هدف افزایش چتر کنترل‌های غیررسمی و ایفای نقش کارکردی نهادها، جلوگیری از آنومی اجتماعی و در نهایت افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش قاچاق مطرح می‌شود:

۱. رابطه سرمایه اجتماعی و مبادلات قاچاق دو سویه است. ضمن اینکه کاهش سرمایه اجتماعی زمینه افزایش مبادلات قاچاق را به مانند هر جرمی دیگر فراهم می‌نماید. شیوع مبادلات قاچاق نیز منجر به فرسایش سرمایه اجتماعی شده و این دور باطل همچنان ادامه می‌یابد. در این شرایط، ضرورت برنامه‌ریزی جامع در بازسازی سرمایه اجتماعی (مبارزه نرم) و از یک سو و برخورد قاطع با پدیده نامیمون قاچاق (مبارزه سخت) را از سویی دیگر می‌طلبد.

۲. آموزش یکی از مکانیزم‌های موثر در ایجاد انتظام اجتماعی است. به گونه‌ای که از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری هنجارها و ارزش‌های مقبول اجتماعی به شهروندان (به‌عنوان مثال، ارزش‌های صداقت، کسب رزق حلال، قانون‌مداری و ...)، می‌توان در مسیر انباشت سرمایه اجتماعی گام برداشت و از این سرمایه به‌عنوان مکانیزمی غیررسمی در کنترل کژرفتاری‌های

- اجتماعی بهره گرفت. در این ارتباط، جامعه‌شناسان رویکردهای مختلفی ارائه کرده‌اند؛ برخی بر آن هستند که سرمایه اجتماعی از طریق خانواده و دیگر گروه‌های خرد و برخی بر نقش سازمان‌های غیردولتی در ایجاد اعتماد اجتماعی تاکید می‌ورزند؛ چنان که دیگرانی نیز بر به دین می‌نگرند و به تأثیر و نقش دین‌داری در اعتماد اجتماعی توجه می‌کنند. این در حالی است که عملکرد دولت‌ها نیز نقشی برجسته در تحلیل یا بازتولید سرمایه اجتماعی دارد.
۳. پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها و ارگان‌های عضو ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با توسل به اصل آگاه‌سازی و به واسطه مکانیسم‌های آموزش و تبلیغ (به‌عنوان مثال ساختن فیلم و تیزرهای تبلیغاتی، تهیه برنامه‌های مستند، مصاحبه‌ها و تشریح تجربیات) مضرات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و ... قاچاق در جامعه را برای شهروندان تشریح نمایند.
۴. برجسته‌سازی قبح فعل قاچاق در افکار عمومی و ضد ارزش جلوه دادن آن در بین مردم به واسطه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی. در حال حاضر بسیاری از مردم معتقدند که فعل قاچاق امری عادی است و هر روز تعداد زیادی به آن می‌پردازند. براساس پیمایش از کانون‌های فرهنگی مساجد کل کشور، ۶۰/۰ درصد پاسخگویان به مقدار خیلی زیاد و زیاد معتقدند که "ورود و خروج غیرقانونی کالاها بعد از مدتی عادی می‌شود و افراد بیش‌تری به آن مشغول می‌شوند". ۲۱/۷ درصد تا حدودی با این نظر موافقت و فقط ۱۵/۰ درصد خیلی کم و کم با آن موافقت (ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۵، ۲).
۵. تقویت حس از خودگذشتگی، خودباوری و علاقه‌مندی به جامعه در فرزندان توسط نهادهای دین، خانواده، آموزش و رسانه‌ها و جلوگیری از تشتت ارزشی و هنجاری سهم مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش مبادلات قاچاق دارد.
۶. یکی از مکانیسم‌های ایجاد انسجام توده‌ها و مشارکت ایشان در امور اجتماعی هویت ملی و ابعاد آن است. هویت بخشی به برند کالای ایرانی در مقابل کالای

قاچاق و صدمه‌ای که مبادلات قاچاق می‌تواند به برند ملی کالای ایرانی وارد سازد، می‌تواند شرایط نابهنجار تقاضا برای کالای ایرانی را التیام بخشیده و انگیزه قاچاقچیان برای مبادلات قاچاق را کاهش دهد. در این راستا، بر اساس نظرسنجی از مردم، بیش از ۶۰ درصد مردم به مقدار زیاد و خیلی زیاد مرغوبیت کالای خارجی را عامل تمایل مردم به خرید کارهای قاچاق می‌دانند (ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۴، ۲). لازم به ذکر است شرط لازم و کافی برای جلب اعتماد مردم به کالای ایرانی بهبود کیفیت کالاهای تولید داخل است.

۷. توجه به نقش نهادهای مدنی و دمکراتیک و سازمان‌های مردم نهاد در تعمیق فرهنگ مبارزه با پدیده شوم مبادلات قاچاق. به‌عنوان مثال، راه‌اندازی کمپین عدم خرید کالای خارجی‌ای که مشابه آن در داخل کشور تولید می‌شود.

۸. از جمله عوامل تخریب‌کننده اعتماد اجتماعی در سطح خرد، فردگرایی و منفعت‌طلبی افراطی افراد است. از آنجا که انسان‌ها به طور ذاتی، منفعت طلب هستند، وقتی این منفعت‌طلبی حالت افراطی به خود بگیرد، افراد سعی می‌کنند با استفاده از روش‌های کاذب، سهم بیش‌تری از امکانات و منفعت را برای خود طلب کنند و ضمن ترجیح منافع فردی بر مصالح جمعی اقدام به انجام مبادلات قاچاق می‌نمایند. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته در دهه‌های گذشته ارزش‌های مادی، منفعت‌طلبی و فردگرایی در لایه‌های اجتماعی رسوب نموده است.

۹. پیشنهاد می‌شود با اعمال اهرم‌های تشویقی شهروندان را به سمت مشارکت‌های اجتماعی سوق داد تا از این طریق، با ایجاد حلقه‌ها و پیوندهای دوستی، سرمایه‌های اجتماعی آنان افزایش یابد؛ عاملی که می‌تواند به کاهش مبادلات قاچاق کمک کند.

۱۰. باز تعریف نقش و کارکرد مورد انتظار از نهادها و سازمان‌های مرتبط در امر مبارزه جدی با مبادلات قاچاق از طریق توسعه زیرساخت‌ها و استقرار

رویه‌های به‌روز و حرفه‌ای، وضع قوانین متناسب و بازدارنده، اعمال محرومیت‌های اجتماعی، توسعه مهارت‌ها و تربیت نیروی انسانی کارآمد با هدف ناامن کردن فضاهاى رانتي و ویژه‌خواری به‌منظور بهبود سرمایه اجتماعی مثبت و عام.

۱۱. اطلاع‌رسانی فراگیر تلاش‌ها و فعالیت‌های عملی صورت گرفته حول مبارزه با مبادلات قاچاق با هدف اقناع افکار عمومی در جدی بودن این فرایند و پراکندن چتر اعتماد عمومی مردم.





## منابع

- اج ترنر، جاناتان (۱۳۸۴)، پیدایش نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- پاتنام، رابرت (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، *مجله جامعه‌شناسی*، شماره ۲۲: ۳-۴۴.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی در شهر تهران*، تهران: انتشارات سروش.
- ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۵)، *نگرش اعضای کانون‌های فرهنگی مساجد کشور در خصوص مبارزه با قاچاق کالا*.
- ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۴)، *نگرش مردم در خصوص مبارزه با قاچاق کالا*.
- سونندبرگ، ریچارد (۱۳۹۱)، *منفعت طلبی و ساختار اجتماعی*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، لوح فکر.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم»، در *مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم*، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس: ۲۶۳-۲۸۹.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، نشر کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۴)، *مجموعه قوانین مبارزه با قاچاق کالا و ارز*

و آیین‌نامه‌های آن.

- محسنی، منوچهر (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات آرون.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ نایب پور، محمد؛ فرید مهر، رحیم (۱۳۸۷)، "عوامل موثر بر قاچاق اسلحه و مشروبات الکلی از مرز پیرانشهر"، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال ۳، شماره ۲، ۱۹۲-۱۸۲.
- مرکز ملی رصد اجتماعی شورای اجتماعی کشور (۱۳۹۴)، سنجش سرمایه اجتماعی: گزارش کشوری، تهران، ناشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- میرسعیدی، سید منصور، زمانی، محمود (۱۳۹۲)، "جرم اقتصادی؛ تعریف یا ظابطه؟"، پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، شماره ۴، ۱۶۷-۱۹۹.
- منصوری، خلیل (۱۳۹۴)، ریشه‌های اعتماد و بی‌اعتمادی اجتماعی، (<http://www.samamos.co>) (۱۳۹۵/۰۵/۱۶)
- نیازی، محسن، کارکنان نصرآبادی، محمد، میرزایی نصرآبادی، طاهره (۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی و فرهنگی را برون‌رفت از قاچاق کالا و ارز، دومین همایش ملی تحلیل و بررسی جرایم و آسیب‌های اجتماعی: پیشگیری از قاچاق انسان، کالا و ارز.
- وبر، ماکس (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر مرکز.
- یاری، حامد، هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان"، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۱، شماره ۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی